

## ملودی

### باور نکن تنهاییات را



اهورا ایمان

ترانه‌سرا

برای یک ترانه‌سرا هیچ چیز مهم‌تر از همراهی یک خواننده خوب و خوش صدا نیست. می‌نویسم خوب و خوش‌صدا چون معتقدم هستند خواننده‌های خوش‌صدایی که خوب نیستند و برعکس! من بخت این را داشتم‌ام که با خواننده‌های مختلفی که خوب می‌خوانند، کار کنم اما فکر کنم جز دو، سه مورد بیشترین اقبال مردم به ترانه‌های من به ترانه‌هایی بوده است که با صدای محمد اصفهانی عزیز اجرا شده است.

نخستین همکاری من با محمد به بیش از ۱۰ سال قبل برمی‌گردد. روزی به طور اتفاقی در حوزه هنری اسناد فریدون شهبازیان را دیدم و تعدادی از ترانه‌هایم را برایشان خواندم. اسناد تلفن تماس مرا -که آن زمان تلفن خوبگاه دانشجویی من بود-گرفت و گفت تماس می‌گیرند. بعد از مدتی اسناد مرا به استودیو صحرافراخواند و جریان سریال باران عشق را مطرح کرد که قرار بود ۱۳ قسمت‌اش ۱۳ ترانه داشته باشد که نهایتاً به پنج ترانه رسیدیم و رضایت همگان هم‌ا‌عم از تهیه‌کننده و آهنگساز و خواننده و کارگردان و فکر کنم مردم را به دنبال داشت. یکی از آن ملودی‌ها را خود محمد ساخته بود که بر اساس ملودی‌اش ترانه‌ای را به اسم ستایش نوشتم که هنوز خیلی‌ها سراغش را از من می‌گیرند که چرا منتشر نمی‌شود؟! خدایا خدایا خدایا خسته‌ای بی‌پناهم پریشان.. فکر می‌کنم آن پنج ترانه را در مدتی کمتر از یک ماه ساختم و هنوز هم شبکه تهران گاه و بیگاه ترانه‌ها را پخش می‌کند. این پنج ترانه سرآغاز همکاری من با محمد بود بی‌اینکه همدیگر را از نزدیک ببینیم و سررشته کارها به دست باکفایت اسناد شهبازیان بود. نخستین دیدار ما فکر کنم یک سال بعد اتفاق افتاد که مصمصویت از دست‌رفته را با هم کار کردیم با همان تیم و در همان حال و هوا. پس از مصمصویت بود که خود اصفهانی سبب آشنایی من با آری‌عظیمی‌نژاد و علی‌کهن‌دیری شد. ابتدا سروی ا دوستم را با آری ساختیم و پس از آن وفا را با علی‌کهن‌دیری. بعد هم با پدram کشتکار همراه شدم در ساخت خورشید فردا که قسمت‌اش این بود در آلبوم بی‌واژه منتشر شود.

در تمامی این موارد آنچه از محمد اصفهانی دیدم دقت نظری نزدیک به سواس در انتخاب ترانه، ارتباط تنگاتنگ با ترانه‌سرا تا آخرین ادیت‌ها و ویرایش‌ها، دوستی و احترامی عمیق بوده که لذت همکاری با وی را دوچندان می‌کند. راستش را بخواهید این روزها کمتر پیشنهاد شوق‌برانگیزی برای همکاری دارم یعنی صداها آنقدر تکراری و یکنواخت شده‌اند که کمتر صدایی شوقی در حد خلق ترانه‌ای غیرمعمول و دلبرانه در دلم ایجاد می‌کند. اما محمد آنقدر خوب می‌خواند که هر ترانه و هر پیشنهاد همکاری‌اش شوق نخستین همکاری که را در دلم برمی‌انگیزد. ضمن اینکه در این آشفته‌بازر که هر صدا پیشش‌ای ادعای ادبیات و درک ویژه از ترانه و شعر دارد، محمد جزو انگشت‌شمار خواننده‌هایی است که در اصول ادبیات و شعر آگاه است و نظراتش برای من همیشه سازنده بوده است. شاید کمتر از یکی، دو ماه از زندگی این جهانی اسناد ارجمند، بایک بیات باقی مانده بود که با محمد و همسر محترمش و یکی از مجریان تلویزیونی به عیادت اسناد بیات رفتم. بایک به زین با اینکه از ضعف مفرط ناشی از بیماری رنج می‌برد عزیز حضور محمد پشت پیانو نشست و آسیمه‌سر را سا کمک محمد اجرا کرد. احترامی که زنده‌باد بایک بیات برای محمداصفهانی قایل بود، نه تنها به خاطر صدایش که به دلیل جمیع خصوصیاتی بود که ایشان را وامی‌داشت بارها در حضور من لب به این نکته بگشاید که «صفهانی حتی اگر کارهای اجرا شده مرا هم بخواهد بخواند با کمال میل در اختیارش قرار می‌دهم». این احترام عمیق زنده‌یاد بایک بیات به محمد و هنرش را من کمابیش در دیگر همکاریان آهنگساز نیز دیدم. احترامی که محمد نیز برای هنر و شخصیت همکاری‌اش قایل است و به نظرم همین ارتباط دوسویه و دلاویز است که منجر به خلق تعداد نسبتاً زیادی از ترانه‌های ماندگار موسیقی پاپ پس از انقلاب شده است.

## خبر

## برپایی برنامه پژوهشی موسیقی فرانکو فونی و ایرانی

شرق: برنامه «پژوهشی موسیقی فرانکو فونی‌وایرانی» در تاریخ چهارشنبه چهارم خرداد در موزه موسیقی برگزار شد. این برنامه با همکاری بخش فرهنگی سوسویس و فرانسه و با حمایت آیکوم (کمیته ملی موزه‌های ایران) با حضور هنرمندان موسیقی، سفرای سوییس و فرانسه با یازدید از موزه موسیقی آغاز شد. علی‌میرادخانی، مدیر موزه موسیقی در سخنانی گفت: «این یک ارتباط بوروکراتیک بین‌المللی نیست. بلکه تبادل فرهنگی و موسیقایی است که به نمایش گذاشته می‌شود.» پس از سخنان علی میراد خانی، لویان لویی، سفیر سوسیوس در ایران هم با تبریک تقدیر آیکوم از موزه موسیقی گفت: «همان طور که می‌دانید موزه موسیقی به عنوان موزه موفق انتخاب شده است. بنابراین، وظیفه خودم می‌دانم که از مدیر این مرکز فرهنگی تشکر کنم، که برای به وجود آوردن چنین نمونه موفق از فرهنگ غنی موسیقی ایرانی در چنین مکانی به نام موزه موسیقی تلاش کرده است.» برنامه «پژوهشی موسیقی فرانکو فونی و ایرانی» با اجرای سسیمون نو آمین، شاعر و آهنگساز فرانسه، مارک آمون، آهنگساز و خواننده سوسیوی ادامه یافت.

## گفت‌وگو با محمد اصفهانی به مناسبت انتشار آلبوم «بی‌واژه»

# در ددل‌هایمان را گریستیم

مرجان صائبی



عکس: مهدی صائبی

وقتی دَر بسته موسیقی پاپ باز شد و جوانانی در فضای تازه چهره شدند، چندان معلوم

نبود آنها که می‌مانند و ادامه می‌دهند چه کسانی هستند؛ اما دکتر محمد اصفهانی

از جمله کسانی بود که می‌شد حدس زد جا پای محکمی پیدا می‌کند. به شخصیت و جایگاه اجتماعی‌ویژه‌اش و اعتقاداتی که داشت و دارد، توانایی‌اش در موسیقی و درک

درستش از هنر را اضافه کنید تا معلوم شود چرا او توانسته همچنان یک هنرمند طراز

اول موسیقی پاپ باقی بماند. اگرچه صدای اصفهانی با آن تحریرهای خوب و شاخص

و دلگفک» را تداعی کرد.

✎ **چطور؟**

چون آن وقت هم فروش فوق‌العاده و استقبال بی‌سابقه مردم از این آلبوم عده قلیلی را به شدت عصبانی کرد، آن هم به دلایلی که هنوز برایم به درستی روشن نیست و حاصلش به اصطلاح، نقد‌های مفرضانه، بچه‌گانه و عاری از اسلوب علمی و فنی بود. آن هم با نا‌همای مستعار عجیب و غریب که بیشتر به بازی با کلمات توأم با تلاش مذنوب‌حانه برای خلق و ایجاد فضاهای منفی روانی شبیه بود تا بیان خیرخواهانه نظرات متنوع و متکثر... ولی همین‌ها هم در آن زمان به فروش بیشتر نون و دلگفک انجامید و اکنون نیز همین گونه است. یکی از مصادیق صریح سخنان بنده، سایت دوست نمای به اصطلاح «موزیک ما» با موسیقی‌های ماست که البته بنده همین جا عدم رضایت خود را از این سایت که با استفاده از نام هنرمندان و وجهات آنها تنفس می‌کند، اعلام داشتم، قلیسا آرزو می‌کنم که دیگر از من خبری ننویسند و سخنی نگویند چون دوست ندارم نام من و آهنگ عاشقانه و مقدس گام‌های مخاطبان محترم بنده در چنین فضاهایی که مملو از کینه‌ها و کدورت‌های عده‌ای از افراد فاقد تجربه و کیاست است، طنین انداز شود. همچنین برات خود را از مقاله‌های به اصطلاح ستایش‌گونه این سایت نیز در مورد آلبوم «بی‌واژه» اعلام داشتم، خواستار حذف همه تحلیل‌های مرتبط با خود از این سایت برای همیشه هستم و خواهش‌م را با این بیت معروف تکرار می‌کنم:

پایان می‌گیرد، موسیقی آغاز می‌شود.
آیا در این آلبوم موسیقی از کلام پررنگ‌تر است؟

نه صرفا به خاطر یک قطعه، بلکه خیلی از حرف‌ها در پرده بیان شد و به اصطلاح سادتر با زبان بی‌زبانی... از این رو هرچند که واژه‌ها حضورداشتند ولی قسمت بزرگی از حرف‌ها و در دل‌هایمان را «بی‌واژه» با هم‌وطنانم به اتفاق گریستیم.

✎ **گفته شده که در مورد بعضی از قطعات آلبوم بی‌واژه دو سال وقت صرف کرده‌اید. این سواس و دقت زیاد به مولف بودن شما برمی‌گردد یا به مشکلاتی از قبیل درگیری‌های کاری و مشغله‌های دیگری‌تان مربوط است؟**

به درگیری‌های کاری و مشغله‌های بنده.

✎ **شما با آهنگسازان بزرگی چون فریدون شهبازیان، مرحوم بابک بیات، همایون خرم و در نسل‌های جوان‌تر هم با فواد حجازی کار کردید؛ اما حالا به سمت آهنگسازان بسیار جوان‌تر رفته‌اید. به چه دلیل؟ آیا کار کردن با کسانی چون فریدون شهبازیان سخت است؟**

بعضی از منتقدان می‌گویند شما نمی‌خواهید نام‌تان تحت‌الشعاع این آهنگسازان بزرگ قرار بگیرد...

من زیر سایه بزرگالی چون فریدون شهبازیان، مرحوم بیات و اسناد خرم بزرگ شدم‌ام و از آن استاید صاحب‌نظر خیر فراوان دیدم

✎ **به نظر شما برای آرایه کار مدرن و به روز باید به موسیقی سنتی و کلاسیک تسلط داشت؟**

نه لزوماً، ولی هرچه دایره اطلاعات و آزمون و خطای مولف یا مجری بیشتر باشد قطعا سطح کیفی کار را ارتقا

می‌دهد.

✎ **آیا برای ساختار شکنی در موسیقی، اصول خاصی وجود دارد؟** و ساختار شکنی در چه قسمت‌هایی از موسیقی به کلیت کار آسیب‌نمی‌زند؟

همان‌گونه که گفتید ساختار شکنی یعنی عدم متابعت

از اصول؛ منتها کسی می‌تواند ساختار شکن موقفی باشد که درک خوبی از اصول رایج داشته باشد و نقاط ضعف و قوتور آنها را بشناسد تا بتواند با بهره‌گیری از همین درک،

سختی تازه بگوید که مورد پسند صاحب‌نظران واقع شده و با عادات و رواج‌های تثبیت‌شده قبلی به مقابله و رقابت برخیزد.

✎ **به نظر شما المان‌های یک موسیقی خوب پاپ ایرانی چیست؟**

پیام خوب و تکنیک بالا در آرایه و حتی‌الامکان کم‌اشتباه بودن اجزای موسیقی و کلام که هر دو به ایجاد

جاذبه‌های سودمند و انسانی در ذهن مخاطب می‌انجامد.

✎ **شما در سبک‌های مختلفی کار کرده‌اید و همیشه هم انتخاب‌های خوب و درستی انجام داده‌اید. انتخاب‌های شما بر اساس شناخت جامعی است که از توانایی‌های خودتان دارید یا بستگی به ویژگی‌های آن سبک مشخص دارد؟**

البته شما لطف دارید، ولی من هیچ یک از این کارها را نکرده‌ام و فقط خیلی ساده به ندای دلم در هر وهله که خواستم به سراغ یک اثر موسیقی بروم، گوش داده‌ام و بعد هم آن را با محک تجربه‌های گذشته سنجید‌ام. البته مشالوون بنده که همان تیم همکاران و دوستان مورد اعتمادم هستند همیشه در این مسیر مرا صمیمانه و دوستانه یاری داده‌اند و پیشنهادهای خوبی آرایه کرده‌اند که خود را مدیون دید حرفه‌ای آنها نیز می‌دانم.

✎ **با توجه به کلام محور بودن موسیقی شما، بعد از پنج سال آلبومی آرایه داده‌اید به نام «بی‌واژه». آیا صرفا این اسم را بر اساس نام یکی از قطعات آلبوم انتخاب کردید؟**
رومن روزان می‌گوید: آنجا که کلام

### موسیقی

### گفت‌وگو با محمد اصفهانی به مناسبت انتشار آلبوم «بی‌واژه»

# در ددل‌هایمان را گریستیم

مرجان صائبی



می‌تواند او و موسیقی‌اش را در گروه پاپ-سنتی قرار دهد، اما او هیچ‌گاه محدود به

حدهوده خاصی باقی نماند و در فضای موسیقی‌های دیگر نیز طبع آزمایی کرده است.

آلبوم تازه‌اش نیز دور از این تجربیات نیست. بعد از پنج سال سکوت، «بی‌واژه» دوباره اصفهانی را به تیتتر خبرهای موسیقی تبدیل کرد. مجموعه‌ای که شامل کارهای تازه او

به علاوه تعدادی از تیتراژ‌های تلویزیونی است و مورد توجه علاقه‌مندان این خواننده

متعهد قرار گرفته است.

عاشقانه‌نواختند.

✎ **آیا می‌توان گفت آلبوم بی‌واژه ادامه آلبوم برکت است؟**
به خاطر تنوع سبک قطعات آلبوم می‌گوییم...

بله، از این نظر در امتداد هم هستند.

✎ **شما همیشه نشان داده‌اید و در مصاحبه‌های‌تان هم گفته‌اید که در انتخاب شعر خیلی دقت می‌کنید، این دقت در انتخاب‌تان را بر چه مبنایی انجام می‌دهید؟**

در درجه اول به میزان انتقال پیام و محتوای پیام ترانه دقت می‌کنم و حاضرم اگر ترانه‌ای غنا و رسایی توأم بااحساس داشته باشد و به فرض مشکل متنی یا ادبی هم داشته باشد دومی را فدای اولی کنم، مگر اینکه با بضاعت بنده و همکاریم قابلیت ارتقای ترانه در زمان مشخص، وجود داشته باشد.

✎ **معمولا هنرمندان مولف برای بیان دیدگاه‌شان از یک زبان و لحن استفاده می‌کنند، اما شما از سبک‌ها و لحن‌های مختلفی در آلبوم‌تان استفاده کرده‌اید، چرا؟**

اولا به خاطر اینکه من هنوز مولف نیستم و

شدن دل نبسته‌ام، بنده فقط در پی ایجاد لحظاتی انسانی

و آسمانی با ابزار ارزشمندی به‌نام

موسیقی برای مه‌نوعان خود هستم

بیشتر از این هم چیزی نمی‌خواهم

و اصلا به آن فکر نمی‌کنم و در این

عدم دقتی هم که در این مورد دارم

خیلی لذت می‌برم. خاطره‌ای از اسناد

ایرج‌راد برای‌تان بگویم: من هنوز

دانشجوی پزشکی بودم؛ ایشان را در

دانشگاه تهران ملاقات کردم که اسناد

بودند و تدریسی می‌کردند؛ در عین

شهرتی که داشتند، خیلی با حوصله و

متواضع بودند و با اینکه اصلا بنده را آن وقت‌ها نمی‌شناختند

برایم کلی وقت گذاشتند. البته فقط خودم به ایشان گفته

بودم که دانشجوی پزشکی‌ام و علاقه‌مند به هنر... و از سویی

برایم تحصیلات و شخصیت حرفه‌ای ایشان جالب بود، چون

ایشان تحصیلکرده دانشگاه کاردیف انگلستان و فوق لیسانس

هنرهای نمایشی هستند. خلاصه در حین صحبت‌ها در پاسخ

به سوالی از جانب من چنین گفتند: بعد از فیلم «ویزا» که

در آن نقش یک جراح را بازی می‌کردم به دلیل فروش بالا

و موفقیت فیلم بلافاصله چندین سناریو به من پیشنهاد

شد با دستمزدهای بالا که در همه آنها باید نقش جراح را

بازی می‌کردم و من تمام آنها را رد کردم و من بلافاصله

به ایشان گفتم: ولی خیلی به شما می‌آید که جراح باشید!



عکس: سبک‌تکثیر محمد اصفهانی

## ۱۵

سه‌شنبه ۱۰خرداد ۱۳۹۰

### قصه آهنگ

نگاهی به ردیف آوازی اسماعیل مهرتاش

### ردیف آوازی متفاوت



نیوشا مزیدآبادی

■ اسماعیل مهرتاش، زاده دهه طلایی ۱۲۸۰ بود؛ دهه جنبش مشروطیت که در آن بزرگانی چون صبا، خالقی، برومند، رهی، بنان، شهریار، ادیب، تاج و بدیع‌زاده به دنیا آمدند. او در کودکی تصانیف متداول را رزمزه می‌کرد و بعد هم از ترکیب کدوی قلیانی با چند تار موی اسب، کمانچه‌ای ساخت که آرشه‌اش یک سیخ کباب بود و با آن می‌نواخت. خانواده‌اش او را نرزد درویش‌خان فرستادند و او نواختن تار را به نیکویی آموخت و چندی هم از آموزش‌های دودشسیرازی بهره‌مند شد و به مدرسه عالی موسیقی و محضر کلنل وزیري رفت. اسماعیل مهرتاش، جامعه باربد را در سال ۱۳۰۵ در خیابان لاله‌زار برای تعلیم موسیقی و اجرای کنسرت و نمایشنامه تاسیس کرد. او نواز و نوازدیش بود و استعداد آهنگسازی و خلاقیت هنری داشت. کلاس آوازی که او تأسیس کرده بود، رایگان بود و به افراد با استعداد و واجد صدای خوب بدون هیچ چشمداشت مادی، آواز تعلیم می‌داد. ردیف آوازی اسناد اسماعیل مهرتاش نتیجه آموزش او نزد استادان موسیقی ایرانی و نیز - به احتمال قوی - حاصل خلاقیت‌های او در چارچوب این آموزش‌هاست.

مهرتاش معتقد بود ردیف یک بداهه استاندارد شده‌است؛ یعنی یکی از بهترین اجراها از دستگاه‌های موسیقی ایرانی که همچون ماخذ از آنها استفاده می‌شود. او ضمن تأکید بر وفاداری به چارچوب‌های اصلی ردیف، به آزادی هنرچو— خواننده اهمیت بسیار می‌داد. ادای درست ۸۰ درصد از آواز از جانب هنرچو برای او کفایت می‌کرد و در ۲۰ درصد بقیه دست او را به نسبت پیشرفتی که در آواز کرده بود، باز می‌گذاشت. شیوه برخورد او با این سهم شخصی هنرچو— خواننده بسیار ظریف بود و صورتی که او را محتاج به راهنمایی می‌دید، او از دریغ‌ورزی‌د و اگر تشخیص می‌داد که خوب از عهده کار برآمده است، می‌گفت: «خوب است، همین را نگاهش‌دار.» همین اهمیت دادن به ابتکارهای هنرچوها باعث شد شاگردان، او را عبدالوهاب شهیدی گرفته‌باش محمدرضا شجریان و محمد منشی‌ری هر یک سبک شخصی خودشان را داشته باشند و هیچ کدام شبیه دیگری نتوانند.

مجموعه ردیف آوازی مهرتاش که به تازگی از



طرف موسسه فرهنگی هنری ماهور منتشر شده، دربردارنده تمامی نکاتی است که این استاد در اجرای گوشه‌های آواز ایرانی به آن توجه داشته است. قسمت اعظم ردیف حاضر را محمد منشی‌ری، متولد ۱۳۲۱، از شاگردان بسیار نزدیک و بااستعداد مرحوم مهرتاش با استناد به محفوظات شخصی اجرا کرده است. بعضی از قسمت‌های این ردیف روی نوارهای ریلی که سر کلاس ضبط می‌شدند، باقی مانده‌اند و خواننده اثر حاضر به پاره‌ای از آنها دسترسی داشته و توانسته است صحت محفوظات خود را با آنها محک

زند، نقصان‌های احتمالی را برطرف کند. محمد منشی‌ری نزدیک‌ترین شاگرد مهرتاش بود، به‌دلیل ۲۰ سال از نزدیک با وی تماس داشته است؛ به‌طوری

که در دوران کهنوت اسناد بسیار اتفاق می‌افتاده‌است که وی آوازی از ردیف او یا تصنیفی از ساخته‌های او را که خود وی به‌علت کِبَر سن فراموش کرده بوده

برای او بخواند. محمد منشی‌ری، صرف‌نظر از اینکه از بهترین و نزدیک‌ترین شاگردان مهرتاش بوده، به‌دلیل اینکه فقط نزد مهرتاش آموزش دیده، از بیان و لحنی برخوردار است که می‌توان به جزرات او را نزدیک‌ترین پیام‌اخلاقی را با سخنرانی ابلاغ کنند.

✎ **کدام یک از سریال‌هایی که تیتراژش را خوانده‌اید بیشتر دوست دارید؟**

ولایت عشق.

✎ **آیا در آینده هم می‌خواهید سبک آلبوم «بی‌واژه» را ادامه دهید یا ممکن است دوباره به فضای «نهماندم» و «حسرت» برگردید؟**

باید به اطلاع‌تان برسانم که هر دو مورد در دست اقدام

است ولی جزئیات‌شان فعلا سری است.

✎ **به عنوان حسن ختام گفت‌وگوی‌مان، کمی از آهنگ «فزال» و حال و هوای عجیب آنکه بسیار لطیف و عاشقانه‌است، بگویید.**

غزال در دوالی سه‌روز ساخته و خوانده شد و من هم حسابی سرما خورده بودم و منزل آریا عظیمی‌نژاد هم آن زمان ولنجک بود. هم به هنگام رفتن و هم در بازگشت، از سرما می‌لرزیدم؛ ولی تا روشنایی صبح منزل آریا ماندم و به اتفاق کار را تمام کردیم و همه اینها با فکر کردن به امام رضا (ع) بود

چون بعد که با خودم مرور کردم، دیدم شرایط فیزیکی‌اش را به‌هیچ‌وجه ندانستم و شاهد من آریاست... اگر عشق، اضطراب و دلنتگی را تداعی می‌کند دللیش آن است که در شی توأم با عشق و اضطراب ساخته و خوانده شده است.

✎ **آیا در آینده هم می‌خواهید سبک آلبوم «بی‌واژه» را ادامه دهید یا ممکن است دوباره به فضای «نهماندم» و «حسرت» برگردید؟**

باید به اطلاع‌تان برسانم که هر دو مورد در دست اقدام

است ولی جزئیات‌شان فعلا سری است.

✎ **به عنوان حسن ختام گفت‌وگوی‌مان، کمی از آهنگ «فزال» و حال و هوای عجیب آنکه بسیار لطیف و عاشقانه‌است، بگویید.**

غزال در دوالی سه‌روز ساخته و خوانده شد و من هم

حسابی سرما خورده بودم و منزل آریا عظیمی‌نژاد هم آن زمان

ولنجک بود. هم به هنگام رفتن و هم در بازگشت، از سرما

می‌لرزیدم؛ ولی تا روشنایی صبح منزل آریا ماندم و به اتفاق

کار را تمام کردیم و همه اینها با فکر کردن به امام رضا (ع) بود

چون بعد که با خودم مرور کردم، دیدم شرایط فیزیکی‌اش را

به‌هیچ‌وجه ندانستم و شاهد من آریاست... اگر عشق، اضطراب و

دلنتگی را تداعی می‌کند دللیش آن است که در شی توأم با عشق و اضطراب ساخته و خوانده شده است.

✎ **آیا در آینده هم می‌خواهید سبک آلبوم «بی‌واژه» را ادامه دهید یا ممکن است دوباره به فضای «نهماندم» و «حسرت» برگردید؟**

باید به اطلاع‌تان برسانم که هر دو مورد در دست اقدام

است ولی جزئیات‌شان فعلا سری است.